



## شما هم کارهایتان را دقیقه ۹۰ انجام می‌دهید؟

اصل پارکینسون می‌گوید: هر کار به اندازه زمانی که برای آن تخصیص یافته طول می‌کشد و این یعنی شما چه یک هفته چه دو ماه وقت برای کاری داشته باشید

اصل پارکینسون می‌گوید: هر کار به اندازه زمانی که برای آن تخصیص یافته طول می‌کشد و این یعنی شما چه یک هفته چه دو ماه وقت برای کاری داشته باشید در نهایت آن را دقیقه نود و در آخرین روز انجام می‌دهید. این اصل را داشته باشید، حالا برویم سراغ ماجراهای زندگی مان.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: یک روز در مدرسه معلم به دانش آموزان یک گروه گفت ۱۰ روز وقت دارند تا تحقیق علمی خود را در مورد صنعت حمل و نقل تحویل دهند. فکر می‌کنید چه اتفاقی افتاد؟ همان روزها دانش آموزان گروه، طی یک تماس مجازی قرار گذاشتند تا برای انجام تحقیق برنامه ریزی کنند و یک قرار مشترک بگذارند. آن‌ها همان روز فکر تحقیق بودند و سپس پروژه را تا ۹ روز بعد به کلی فراموش کردند. هر بار یکی از اعضا تأکید می‌کرد که کار مانده، بقیه می‌گفتند هنوز هشت هفت و... روز وقت داریم. این طوری شد که تا روز نهم هیچ اتفاقی نیفتاد و آن‌ها دقیقه نود مجبور شدند هول هولکی و با شتاب بیشتر و دقت کمتر کارشان را انجام دهند. واقعاً چه چیزی باعث شد آن‌ها ۱۰ روز مفید را رها کنند و لحظات آخر فکر کارشان بیفتند؟

یا تصور کنید آدم‌هایی که اهل خواندن شب امتحان هستند. در طول سال تحصیلی درس‌ها را یکی یکی تلنبار می‌کنند و هر بار که والدین می‌گویند درست را بخوان می‌گویند حالا تا امتحان دی ماه کلی مانده است. هر بار برای نخواندن یک بهانه می‌آورند و وقتی به ماه دی می‌رسند برنامه ریزی فشرده می‌کنند و درس‌ها را تندتند می‌خوانند و حفظ می‌کنند بی آنکه آن‌ها را به خوبی فرا بگیرند. شاید اگر آن‌ها همان روز اول نمی‌دانستند آزمون دی ماهی در کار است، زودتر می‌خواندند. یا اگر کنکوری در بازه سال چهارم وجود نداشت درس‌ها را در طول چندسال می‌خواندند و برای چند ماه آخر تلنبار نمی‌کردند و با زدن آن همه تست ذهن و روان خود را درگیر نمی‌کردند.

بگذارید مثال ساده‌تر بزنیم. امشب که به خانه خواهرتان مهمانی می‌روید همان شب برای دو هفته بعد قرار مهمانی خانه خودتان را هماهنگ می‌کنید. همان شب کمی دغدغه مهمانی و خرید واری ولی از آنجایی که دو هفته وقت دارید، آن را فراموش می‌کنید. درست شب آخر یک لیست بلند بالا از وسایل مورد نیاز خود می‌نویسید و کارهایی که باید برای نظافت خانه انجام دهید و حتماً از آن همه کار خسته هستید. در حالی که می‌توانستید در روزهای انتهایی با فراغت بیشتری به کارهای خود برسید. فکر می‌کنید چرا این اتفاق می‌افتد و کارها روی هم تلنبار می‌شود؟ آیا اگر خواهر شما همان فردا شب به خانه تان می‌آمد شما آمادگی مهمانی نداشتید یا خانه را تمیز نمی‌کردید؟ پس چیزی که گول زنده است، مدت زمان نیست که برای کاری تعیین می‌شود.

این بلا اغلب سر دانشجوها می‌آید. آن‌هایی که باید پایان نامه ارائه دهند و وقت مشخصش را در پایان ترم می‌دانند ولی آنقدر کش می‌دهند و این کار را به ماه‌های آخر موکول می‌کنند که وقتی روزهای پایانی سراغشان را می‌گیرید به شدت درگیر کار و نوشتن هستند و تمام کارهایشان با دور تند پیش می‌رود. شاید اگر برای پایان نامه وقتی تعیین نمی‌شد و هر کس می‌توانست طرح خود را در زمان دلخواه ارائه کند کیفیت بیشتر می‌شد. زمانی که تعیین می‌شود دانشجو را گمراه می‌کند. حالا شما این بازه زمانی را به کل مسائل کاری و روزمره خود تعمیم دهید. اینکه باید تا شب با کسی تماس بگیرید و درست در لحظه آخر تماس می‌گیرید. برای شرکت در قرعه‌کشی تا ساعت ۱۲ شب وقت دارید و شما همان موقع کدهای قرعه‌کشی را با شتاب ارسال می‌کنید. باید گزارشی را نقد کنید و می‌گذارید وقتی سردبیر صدایش در آمد و معترض شد تندتند می‌نویسید.

مهم نیست حافظه‌گوشی ما چقدر جا دارد. به هر حال آنقدر پر می‌شود که گاهی هنگ می‌کند و از کار می‌افتد. یا فکر کنید آدم‌ها براساس میزان حقوقی که دریافت می‌کنند برای زندگی برنامه ریزی می‌کنند. حالا اگر در سال‌های بعد این رقم افزایش یابد باز هم به اندازه همان مبلغ خرج می‌تراشند و درست به همین دلیل، افراد هیچ وقت از دریافتی خود راضی نیستند.

حالا فکر کنید تعیین بازه عمر برای ما چه مضراتی دارد. چه کارهایی به امید رسیدن فرادها پشت گوش می‌اندازیم، چه کارها که به امید داشتن وقت بیشتر نیمه‌کاره رها کرده یا اصلاً شروع نمی‌کنیم و به این ترتیب بسیاری از ما آدم‌ها سری پر سودا و پر رویا داریم که هر روز آن را به امید فردای نیامده به تأخیر انداخته ایم. همه ما عادات ریز و درشتی داریم که برای خودمان منحصربه‌فرد است. ولی وقتی این عادت را عده‌ای مبتلا می‌شوند نام مشخصی به خود می‌گیرد. حالا وقتش شده با اصل پارکینسون

اصل پارکینسون که در علم مدیریت و اقتصاد کاربرد دارد می گوید: هر کار به اندازه زمانی که برای آن تخصیص یافته طول می کشد و این یعنی شما چه یک هفته چه دو ماه وقت برای کاری داشته باشید در نهایت آن را دقیقه نود و در آخرین روز انجام می دهید.

این اصل در مدل های سازمانی کاربرد زیادی دارد و البته که اشکالات زیادی هم به آن وارد است. مثلاً کارمندان برای روال اداری یک نامه پنج روز وقت دارند. پس هرگز روز اول بلافاصله انجام نمی دهند و تصور می کنند هر چه کاری را که به آن ها محول شده بیشتر کش بدهند پرکارتر محسوب شده و پاداش بیشتری دریافت می کنند. بعضی کارمندان مسئولیت های روزانه خود را چنان کش می دهند که به وقت اضافه عصر کشیده شود و آن ها بتوانند از مزیت مالی اضافه کاری استفاده کنند. در حالی که اغلب در ساعت عصر کارمندان به کارهای شخصی خود بیشتر می رسند و راندمان کاریشان کمتر است.

شما می توانید این اصل را در زندگی روزمره خود استفاده کنید. یعنی نگذارید انجام کارها به تعویق بیفتد. با یک برنامه ریزی ساده، اما صحیح می توانید زمان ۲۴ ساعته خود را مدیریت کنید و تمام کارهای مهم را انجام دهید. پس برای کارهای خود وقت مشخص تعیین کنید. مهم تر از همه مقدار حضور خود در فضای مجازی را مدیریت کنید. با خود قرار بگذارید یک ساعت یا نیم ساعت در اینترنت باشید و حتماً به این قانون خود پایبند بمانید. اگر قرار است روزی نیم ساعت کتاب بخوانید حتماً بخوانید و کم کم به این قانون ها اعتماد و عمل کنید. کم کم خواهید دانست که کمبود وقت خیلی هم بهانه خوبی نیست. روزهای بعد خواهید دید که می توانید تایم های کاری خود را کوتاه کنید و ۴۵ دقیقه را به نیم ساعت و سپس یک ربع برسانید. در زمان تعیین شده مقدار استرس و پرتی های موجود را در نظر بگیرید. کارهای بزرگ را به کارهای کوچک تقسیم کنید تا به راحتی آن ها را انجام دهید. سعی کنید نظم شخصی پیشه کنید و به قانون خود وفادار بمانید.